

چه چیزی موجب می‌شود که عین ثابت‌هی افراد متفاوت باشد؟

شماره پرسش: ۶۱۷۵

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۸/۹ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

با سلام از خدمت استاد گرانقدر سوالی دارم، بحث اعیان ثابت‌ه بحث پیچیده ای است. چطور امام خمینی بودن خود را آنچنان پر ثمر خواسته و شخصی چون یزید آنطور؟ چگونه یک نفر زنازاده بودن را انتخاب میکند؟ چطور یک نفر فقری که به کفر منتهی میشود را انتخاب و دیگری ثروتی چنان حضرت خدیجه را؟ آیا ائمه اطهار هم در همین علم الهی است که جایگاه خود را براساس لیاقتشان ثابت کرده اند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در مباحث عرفان نظری یادداشتی دارم که عیناً برایتان ارسال می‌دارم. به هرحال در این مورد مجبوریم فکر کنیم وگرنه همواره این نوع سؤالات برایمان پایدار می‌ماند. موفق باشید. سؤال: این‌که گفته می‌شود هرکس مطابق عین ثابت‌هی خودش عمل می‌کند، موجب می‌شود تا این سؤال پیش می‌آید: چه چیزی موجب می‌شود که عین ثابت‌هی افراد متفاوت باشد؟ جواب: همان‌طور که مستحضربید تفاوت عین ثابت‌هی هرچیز و هرکس به حقیقت امکانی آن مربوط است مثل وقوع عدد ۴ که بین ۳ و ۵ است و یا عدد ۱۰ که بین ۹ و ۱۱ می‌باشد و این وقوع از خود آن اعداد است. به طوری که این اعداد امکانی جز این ندارند که در این موقعیت باشند. همین‌طور امکان شخص صدام جز همین وقوع و امکان نیست. مثل عدد ۴ است که جایش بین ۳ و ۵ است و وقوع حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه» جز این نیست که هستند. مثل عدد ۱۰ است که بین ۹ و ۱۱ است. منتها اشتباه از این جا پیش می‌آید که آن وقوع اولیه که در آن مرحله هیچ نقص و کمالی برای صاحبانش نیست مگر امکان کمال یا نقص، آن را به کمال یا نقص انتهایی افراد نسبت می‌دهیم. در ابتدا امکان صدام شدن صدام به عنوان یک انسان خون‌خوار در عین ثابت‌هی او هست، منتها در عین اختیار و شعور فطری که دارد. درست است هرگز صدام نمی‌تواند امام خمینی شود ولی به جهت اختیاری که دارد می‌تواند شهید خرازی شود. چون عین ثابت‌هی او، امکان چنین بودنی دارد. همین‌طور که در ابتدای امر عین ثابت‌هی امام خمینی امکان انسانی عالم و عارف و شجاع را دارد و او با انتخاب خوب خود، مطابق عین ثابت‌هی خود امام خمینی شد و هرگز نمی‌توانست صدام یا شهید خرازی شود. همین‌طور که یک زن بر اساس امکان وقوع خود زن می‌شود. در مسیر زن بودنش و مطابق عین ثابت‌ه‌اش می‌تواند زن خوبی شود و یا زن بدی. ولی هرگز نمی‌تواند مرد شود چون که عین ثابت‌هی او اقتضای زن بودن او را دارد. او در مسیر عین ثابت‌ه‌اش می‌تواند مطابق فطرتش عمل کند یا نکند.

همین‌طور که امام خمینی می‌توانست مطابق عین ثابت‌اش که شبیه عدد ۱۰ است، انتخاب‌های بدی بکند و یک انسان باسواد ولی خطرناکی بشود. هرچند نمی‌توانست یک صدام بدی شود، چون اقتضای عین ثابت‌اش آن نحوه بودنی است که عدد ۱۰ در آن جایگاه هست و نه عدد ۵. پس اگر فردا حضرت امام خمینی از خدا بپرسد چرا من را امام خمینی کردی با این همه وسعت کار و دردرس، جواب آن است که امکان خودت، امام‌خمینی‌بودن بود و انتخاب‌های خودت هم به اقتضای همان عین ثابت‌ه و امکان وجودیت انجام گرفت. مثل این‌که اگر یک زن بپرسد چرا من را زن کردید؟ جواب می‌دهند امکان زن بودن از آن خودت بود و هرچه هم عمل کردی با انتخابی عمل کردی که مقتضای زن بودن توست، چه مطابق فطرت عمل کرده باشی و چه مطابق نفس اماره. در همه‌ی این موارد حجت خدا در جواب این اعتراض‌ها بالغه و بی‌نقص است و می‌تواند بدی یا خوبی افراد را متوجه‌ی خودشان بکنند. توجه به جایگاه عین ثابت‌ه در کنار حکمت الهی و احسن‌بودن نظام عالم موجب می‌شود تا متوجه باشیم که خداوند به آن اعیانی‌ی‌ذنی خلقت می‌دهد که با خلقت آن‌ها نظام احسن الهی ادامه پیدا کند، پس این اشکال پیش نمی‌آید که اگر امکان بود هر موجودی از خودش است پس وجود پدیده‌ها در عالم مربوط به خود پدیده‌هاست زیرا وجوددادن پدیده‌ها مربوط به خدا است - هرچند امکان آن‌ها مربوط به خودشان باشد- و خداوند به اقتضای حکمتش به آن‌چه صلاحیت وجودداشتن دارد، وجود می‌دهد